

وسایل ارتباط جمعی؛ تلاقی دو فرایند ارتباطی

خوش بینی، سردرگمی و تسلیم در برابر روند جبری تحولات ارتباطی، برای جوامع عقب نگاه داشته شده حاصلی جز تن سپردن به تقسیم بندی جدید «تند» و «کند» برای ورود به نظام مسلط سرمایه داری جهانی نخواهد داشت. اما در عین حال، بی توجهی نسبت به رشد قدرت انتخاب گری مخاطبان و دخالت فعال ذوق، اندیشه و آگاهی پیام گیرندگان نیز در هر توسعه ارتباطی به تفوق و غلبه گرایش استقلال گرایانه و برخاسته از نیازهای خودی منجر نخواهد شد.

در اینجا ست که مشخصه های توسعه بخش وسایل ارتباط جمعی جدید اعم از مکتوب و غیر مکتوب روشن می شود، مشخصه ها و مختصاتی که با شناخت واقع بینانه آنها می توان فرایند اصلی رشد و توسعه اجتماعی و ارتباطی را ترسیم کرد. تقدم اهداف دیرپای آموزشی بر کارکردهای روزمره، تعمیق مبانی رشد دهنده فرهنگی و اجتماعی و علمی، برقراری رابطه پویا و زنده با مخاطبان، حفظ تنوع و تازگی در تولیدات فکری و فرهنگی، بهره برداری صحیح از شیوه های نوین اطلاع رسانی و ارتباطی و... از مهمترین ویژگی های است که در صورت فقدان آنها نمی توان چشم به راه یک توسعه همه جانبه اجتماعی و فرهنگی بود.

جهان، خواسته و ناخواسته در معرض دگرگونی های شگفت انگیز قرار گرفته، و در این دگرگونی سهم عمده ای هم برای وسایل ارتباط جمعی منظور شده است. آنچه در این مرحله حساس کارگشاست، آگاهی و هوشمندی در کاربرد ابزارها و روش های جدید در بستری از نیازهای واقعی و ارزشها و باورهای دینی و انقلابی است. نقش ظاهری و کم رنگ رسانه ها آنگاه که به خدمت برنامه ریزی برای توسعه همه جانبه و حفظ و ارتقای رهاوردها و دستاوردهای انقلاب اسلامی درآید، می تواند به نقشی پایدار و پویا در گسترش آموزشهای لازم و جذب و هضم اطلاعات مفید و ضروری بدل شود. در چنان وضعی، رسانه های گروهی می توانند در برابر جریان یکسان سازی رفتار و اندیشه جهانی، به عرضه توانمندانه فرهنگ و اندیشه دینی و ملی و مبادله و مفاهیم مستقیم و زنده با مخاطبان خویش برخیزند. راهی که در زمینه مطبوعات، به ویژه نشریات تخصصی با تکاپو و تلاشی شایسته آغاز شده است و امید می رود در چارچوب یک برنامه واقع گرایانه و اصولی توسعه، جای خود را با گسترش و تعمیم بیشتر آموزشهای لازم در سطح جامعه باز کند و مصونیت فرهنگی ما را در برابر آسیبهای ناشی از تحولات جدید سیاسی و فرهنگی جهانی افزونتر گرداند.

اکنون دو فرآیند متفاوت فرهنگی از ورای تحولات شتابان جهانی و رشد دم افزون وسایل ارتباط جمعی رخ نموده است. از سویی، نوعی گرایش و کشمکش برای همگرایی و یک رنگ سازی فرهنگی جوامع در کانون توجهات جهانی و در معرض اشاعه و گسترش است، و از سویی دیگر، روند فزاینده تمایل به حفظ و احیای تنوع و گونه گونی های فرهنگی در قالب کسب هویت های منطقه ای، ملی، گروهی و فردی و بازیافت باورهای فکری مستقل در حال شکل گیری و انسجام است. اگرچه گرایش نخست، با مکانیزم های جدید سلطه و اقتدار جهانی، دسازاری و همخوانی بیشتری دارد، اما فرآیند دوم نیز از هر نظر در خور تأمل و توجه جدی برای ترسیم فردایی آگاهانه و تعالی بخش است.

وسایل ارتباط جمعی در تلاقی این دو گرایش، نقش و کارکردی ویژه یافته اند. در فرآیند همگرایی، نگاه به رسانه ها از زاویه همسان کردن محیط زیست فرهنگی و رفتارهای جمعی و تبدیل مخاطبان به نیرو و کالای کار صورت می گیرد و شتاب گردش اطلاعات و انبوهی داده ها و آموزشها جز در پی کم رنگ و پراکنده کردن و سطحی و گذرا انگاشتن آموزشهای لازم برای توسعه نیست. در این نگاه، جوامع توسعه نیافته به عنوان عرصه سرعت و گسترش اطلاعات فراوان بدون توجه به مضمون و هدف آموزشی متعالی و زمینه های مناسب توسعه درونی جامعه تلقی می شوند، وسایل ارتباط جمعی از مسئولیت افزایش تولید و خلاقیت شایسته فکری و فرهنگی باز می مانند.

در فرآیند تنوع و گونه گونی فرهنگی، تمایل جوامع، گروهها و افراد به کسب هویت و مشارکت در پیام رسانی، برای ذائقه و سلیقه فردی و جمعی منزلت خاصی به وجود می آورد. در اینجا، مخاطبان در پی انتخاب مفاهیم مورد نیاز خویش هستند و از میان گستره تبلیغات و اطلاعات عرضه شده برای خود نقش فعال و زنده قایل هستند. گرایش به وسایل ارتباط رسانی دو سویه در جهان کنونی و حضور زنده خواننده، شنونده و بیننده در اطلاع رسانی، مقولای است که اینک بیش از هر زمانی نمود یافته است.

اگرچه فاصله این دو گرایش در ساخت و تحول فرهنگی جوامع جهانی به وسعت و تباین «همگونی» و «پارامفازی» است، اما نباید از تمرکز مشترک هودو بر اهمیت و کارکرد خاص وسایل ارتباط جمعی غافل ماند. امروز عمده ترین نقش فرهنگ سازی، آموزش و مشارکت اجتماعی بر عهده رسانه های جمعی قرار گرفته است. بی تردید